**جلسه 49-161**

**یک‌شنبه - 17/10/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

صاحب عروه در مسأله 1 فرمود امارات ظنیه تشخیص قبله زیاد هست، برخی از این‌ها را نام برد مثل استدبار جدی در عراق و ایران و این‌که محرابی باشد که معصوم در آن نماز خوانده است یا قبر معصوم علیه السلام باشد یا قبله مسلمین در محراب‌های مساجد مختلف.

راجع به قبله مسلمین در مساجد مختلف که بله، این اماره ظنیه است ولی دلیل بر اعتبار ندارد. اگر تحصیل علم ممکن نشد و ما از این جهت محراب علم پیدا نکردیم از باب یجزی التحری حجت خواهد بود.

اما محراب و قبر معصوم علیه السلام، یک مطلبی که هست محقق همدانی هم دارد، ‌آقای خوئی هم دارد که اصلا اگر احراز بشود که احتلاف داشته با تشخیص دقیق قبله اما امام به علم غیب نخواستند اعتماد کنند کما این‌که در تشخیص پاکی و نجسی، ‌تشخیص مذکی بودن لحم و میته بودن آن به همان علم عادی علم می‌‌کردند، ‌شاید در تشخیص قبله هم برای این‌که بر مسلمین سخت نشود به همان علم عادی عمل می‌‌کردند.

البته راجع به قبر امیرالمؤمنین این مطلب یک مقدار استبعاد دارد چون دفن امیرالمؤمنین در آن مکان غیر عادی بود. هذا ما حفره النوح النبی، ‌اصلا آن قبر را نوح پیامبر برای امیرالمؤمنین تهیه کرده بود و اصلا دفن غیر عادی است، ‌بعید است که در تشخیص قبله بخواهند عادی برخورد کنند و انحراف را در نظر نگیرند مگر این‌که بگوییم این مقدار انحراف اصلا مضر نیست. حدودا بیست درجه یا حتی یک مقدار کمتر هست در نجف، خب آقای خوئی فرموده که به نظر ما که اصلا این مقدار مضر نیست، تا بیست و شش درجه مضر نیست.

مسجد کوفه هم اختلاف هست. ظاهرا آنجا هم همان بیست درجه از جنوب اختلاف دارد. و آقای خوئی می‌‌گویند بعضی‌ها گفتند دوازده درجه، ‌بعضی‌ها گفتند بیست و یک درجه. البته آن محراب مسجد کوفه اگر بخواهیم دقیق قبله را مراعات کنیم خیلی کم منحرف بشویم به طرف راست، ‌خیلی کم. ولی اصل انحراف از جنوب حدودا بیست درجه است، آقای خوئی می‌‌فرمایند بین دوازده درجه تا بیست و یک درجه گفته‌اند.

مهم استدبار جدی هست که در روایات بود که آقای خوئی فرموده به نظر ما این هم اماره ظنیه است چون روایاتش ضعیف است.

اماره قطعیه غیر از این ابزارآلات جدید، قبله‌نماها و تشخیص جهت قبله از طریق اینترنت که خیلی دقیق هست، در دو روز از سال: هفتم خرداد و بیست و سوم تیر خورشید می‌آید بالای بیست و یک درجه و نیم که مکه واقع شده، ‌هفتم خرداد که می‌‌رسد بالای مکه و آن درجه مکه می‌‌رسد، چون مکه بیست و یک درجه و نیم بالای خط استواء است، تا این خورشید برود به بیست و یک درجه و نیم برسد که اوج بالا آمدن خورشید هست، رأس السرطان، ‌تا برگردد به همانجا حدودا چهل و اندی طول می‌‌کشد یعنی بیست و سوم تیر دومرتبه بر می‌‌گردد خورشید به همان جهت کعبه یعنی چهل و شش روز. یعنی این دو درجه را خورشید تا برود بالا برگردد باز در آن جهت کعبه، ‌این دو درجه رفت و برگشت را در چهل و شش روز طی می‌‌کند. موقع ظهر که می‌‌شود دقیق خورشید بالای مکه هست و هر کس که مواجه بشود در هر کجای دنیا که خورشید را می‌‌بیند با خورشید در هنگام ظهر مکه استقبال دقیق قبله محقق می‌‌شود.

آقای خوئی یک مطلبی فرمودند ما این را نفهمیدیم. فرمودند دو روز نیمه شب هم در هر ماه، ‌ماه (‌قمر) بالای کعبه قرار می‌‌گیرد. ما این را نفهمیدیم. از جهت علمی یا ثابت نیست برای‌مان یا خلافش اقرب هست که این‌که بگوییم در هر ماه دو روز نیمه شب مکه ماه دقیق بالای مکه [کعبه] است، این ثابت نیست. من غیر از کلام آقای خوئی جایی ندیدم. باید بیشتر بررسی کرد.

[سؤال: ... جواب:] نه ایشان هم مشخص نکرده. ... باید به همان برج اسد برسد که بیست و یک درجه و نیم بالای خط استواء هست. ... نیمه شب مکه این‌جور فرمودند.

در آمریکا متاسفانه نه خورشید هنگام ظهر مکه دیده می‌‌شود چون آنجا شب است و نه ماه نیمه شب مکه دیده می‌‌شود چون آنجا روز است. اگر هم بشود کاری کرد آن مشکل قبلی را شما در ذهن‌تان این است که متمایل به جنوب شرق بایستیم در آمریکا یا متمایل به شمال شرق، این راه اگر درست باشد همان متمایل به شمال شرق می‌‌شود. چون خورشید وقتی که می‌‌تابد روی مکه، آن‌هایی که در اطراف قطب شمال هستند گوشه خورشید را می‌‌بینند و مواجه بشوند، ‌مقابل خورشید قرار بگیرند یعنی در واقع با همان خط شمال شرقی نگاه به خورشید می‌‌کنند.

راجع به این استدبار جدی که اهل عراق، ایران استدبار جدی می‌‌کنند، ‌خب اشکال هم شده بود که آقا! استدبار جدی که معنایش این است که به جنوب بایستیم و قبله عراق حدودا بیست درجه در کوفه و نجف و بغداد اختلاف دارد با جنوب، ‌در ایران بیشتر. خب این اشکال را آقای خوئی فرمود بیست درجه که مهم نیست، تا بیست و شش درجه هم حکم کردیم که عمدا هم انحراف مضر به استقبال قبله نیست. ما این را نتوانستیم قبول کنیم ولی در حال جهل به جهت دقیق قبله ما استفاده سیره کردیم. از خود روایات استدبار جدی هم می‌‌فهمیم که دقیق نیست، ‌لازم نیست تشخیص دقیق بدهیم قبله را.

حالا بحث در این است که به نظر ما روایت استدبار جدی صحیحه بود، صحیحه محمد بن مسلم اما اشکال این است:‌ فقهاء آمدند گفتند یستحب التیاسر لاهل العراق. این را ما نمی‌فهمیم. ما به سمت جنوب که می‌آیستیم در عراق بطور دقیق یعنی استدبار کنیم جدی را بطور دقیق که جدی در قفای ما قرار می‌‌گیریم یا در هنگام ظهر روبروی خورشید قرار می‌‌گیریم، اگر بخواهیم دقیق جهت قبله را مراعات کنیم باید بیست درجه به سمت راست بپیچیم، ‌به سمت غرب.

بحث در این است که تیاسر یعنی چه؟ استحباب تیاسر یعنی چه؟ یعنی از طرف راست مستحب است که مقداری به سمت چپ متمایل بشویم. اصلا راست و چپ را چه جور حساب می‌‌کنید؟ کجا راست است، کجا چپ است؟ جنوب بناء شد بیست درجه به طرف راست، جهت حقیقی قبله باشد. این‌که جهت راست است، این تیامن است، اگر می‌‌گفتند یستحب التیامن می‌‌فهمیدیم. می‌‌گفتند آقا!‌ استقبال جنوب حقیقی مجزی است ولی مستحب است تیامن تا با آن جهت حقیقی قبله خودتان را تنظیم کنید اما استحباب تیاسر یعنی چه؟‌ اصلا تیاسر معیارش چیست؟‌ تیاسر از کجا؟ یعنی تیاسر از جنوب؟ یعنی بیست درجه انحراف از جنوب به غرب که هیچ، پیشکش، ‌بعد بیاییم ما از جنوب هم مقداری منحرف بشویم به طرف چپ؟ این چه ملاکی دارد؟

بعد، ‌برای چی مستحب است تیاسر؟

در دو تا روایت ضعیف وجهی گفته‌اند که ایکاش گفته نمی‌شد و این امارات عدم صدور از امام معصوم به نظر ما در آن ظاهر است. من این دو روایت را می‌‌خوانم، هر دو هم در کافی هست. آن‌هایی که سند کافی را معتبر می‌‌دانند بسم الله:

محمد بن یعقوب عن علی بن محمد رفعه قال قیل لابی عبدالله علیه السلام لم صار الرجل ینحرف فی الصلاة‌ الی الیسار؟‌ قال لان للکعبة ستة حدود، ‌مراد از کعبه حرم است و الا کعبه که شش حد ندارد که، مگه ضریح امام حسین است که شش گوشه داشته باشد؟ اربعة منها علی یسارک و اثنان منها علی یمینک فمن اجل ذلک وقع التحریف علی الیسار. چی می‌‌خواهد بگوید؟ می‌‌گویند حرم از سمت چپ کعبه دوبرابر جنوبی‌تر [است از سمت راست]. شما روبروی رکن عراقی بایستید، تصویر کنید مسجد الحرام را، روبروی رکن عراقی که بایستید کانّه از طرف عراق متوجه کعبه شدید، رکن عراقی هم که می‌‌دانید کجاست. رکن حجر الاسود، بعد اولین رکن بعدی که ابتداء حجر است به او می‌‌گویند رکن عراقی. بعد که از کنار حجر رفتید آمدید آن رکن بعدی، آن رکن بعدی رکن شامی است، بعد می‌آیید می‌‌رسید به رکن یمانی، ‌دومرتبه می‌‌رسید به رکن حجر الاسود، ‌هفت دور هم همین‌جور می‌‌چرخید، رکن حجر الاسود، رکن عراقی، رکن شامی، رکن یمانی. شما مواجه با رکن یمانی که می‌‌شوید سمت راست‌تان منطقه حرم حدودا نصف سمت چپ‌تان است یعنی سمت چپ‌ حرم دوبرابر است. این را داشته باشید تا از نظر جغرافیایی هم توضیح بدهم.

روایت مفضل بن عمر را هم بخوانم. این سندش به نظر آقای زنجانی تمام است چون هم مفضل بن عمر را قبول دارد هم محمد بن سنان را قبول دارد. روایت این است:

سأل اباعبدالله علیه السلام عن التحریف لاصحابنا، ذات الیسار، چرا مستحب است که تمایل به سمت چپ و سبب آن چیست؟ فقال ان الحجر الاسود لما انزل من الجنة و وضع فی موضعه جعل انصاب الحرم من حیث یلحقه النور، ‌نور الحجر، هر کجا که نور حجر الاسود تابید شد حرم. و می‌‌گویند حجر الاسود ابتداء سفید بود، از بس دست گناهکارها به او خورد سیاه شد. فهی عن یمین الکعبة اربع، امیال و عن یسارها ثمانیة امیال. یعنی یسار کعبه دوبرابر یمین کعبه است. منطقه حرم در یمین کعبه چهار میل در چهار میل هست ولی در منطقه یسار هشت میل در هشت میل. فاذا انحرف الانسان ذات الیمین، اگر به سمت راست می‌‌خواهی منحرف بشوی از حد قبله که حرم هست می‌‌گذری، بروی به طرف راست خطی که بکشند از ناکجاآباد سر در می‌‌آورد، به حرم نمی‌خورد. و اذا انحرف الانسان ذات الیسار لم یکن خارجا من حد القبلة، ‌ولی اگر به همین اندازه به سمت چپ منحرف بشوی خطی که از شما مستقیم خارج می‌‌شود می‌‌خورد به حرم.

حالا از نظر جغرافیایی هم این مطلب مورد تایید است:

ببینید! محیط حرم را می‌‌گویند ادنی الحل، آن محیط حرم که دائره‌ای است ادنی الحل نامش هست و کعبه وسط آن نیست، تا حدیبیه که یکی از ادنی الحرم‌ها هست، هیجده کیلومتر فاصله است، تا جعرانه که یکی دیگر از حرم‌ها است، ‌چهارده کیلومتر، تا نمرة که سمت عرفات است بیست دو کیلومتر، تا تنعیم، همین مسجد تنعیم، هفت کیلومتر. هفت کیلومتر آن هم هیجده کیلومتر، چهارده کیلومتر، بیست و دو کیلومتر. شما چهار گوشه حساب کن، ‌یک گوشه‌اش از ادنی الحل هفت کیلومتر، تنعیم، یک گوشه‌اش از حدیبیه هیجده کیلومتر، ‌یک گوشه‌اش از جعرانه چهارده کیلومتر، یک گوشه‌اش از نمره که اول عرفات هست بیست و دو کیلومتر. خب روشن شد که چرا یسار کعبه حدودا دوبرابر یمین کعبه است.

[سؤال: ... جواب:] حدودی است، ‌دقیق که نیست.

[سؤال: ... جواب:] نمره سمت چپ است. نمره بیست و دو کیلومتر. ... حالا مجموع را حساب کردند، منافات ندارد که مثل نقشه ایران ‌که شکل گربه است، گاهی یک جا می‌‌رود بیرون گاهی یک جا می‌آید تو، بالاخره در نقشه‌ها یک مقدار کم و زیاد شدن، طبیعی است، ‌از یک جا زیاد می‌‌شود از یک جای دیگر کم می‌‌شود، معتدلش را که حساب می‌‌کنند می‌‌گویند یسار کعبه دوبرابر یمین کعبه است.

این حرفی نیست. حرف این است که آقا! ما در عراق، ‌در ایران، چه جوری می‌‌شود که مستحب است تیاسر عرفی‌مان؟! آخه این تیاسر عرفی ناگهان ما را منتقل می‌‌کند به صنعاء. آخه این بیست و دو کیلومتر و هفت کیلومتر برای ما که در عراق و ایران می‌‌خواهیم استقبال قبله بکنیم اصلا به حساب نمی‌آید.

[سؤال: ... جواب:] آخه همه فقهاء ما از شیخ طوسی گفتند یستحب لاهل العراق التیاسر شما می‌‌گویید برای اهل مدینه گفتند؟ اتفاقا اهل مدینه قبله‌شان به سمت جنوب است، خیلی انحراف ندارد چون مدینه دقیق در شمال مکه واقع شده، خیلی انحرافش از جنوب در مدینه کم است.

و لذا نمی‌فهمیم این استحباب تیاسر برای چیست؟ در عراق این تیاسر یک مقدار کج بشوی، این کجی همین‌جور تا ثریا می‌‌رود، این‌جور می‌‌شود دیگه، همین‌جور این کجی می‌‌رود جلو، آن وقت به مکه که نمی‌رسی به صنعاء و عدن هم نمی‌رسی، می‌‌رسی به دریای سرخ. بعد هم چرا استحباب تیاسر؟ خب ما مستقیم می‌آیستیم، مستقیم به همان معنای بیست درجه متمایل به راست، مستقیم اوست دیگه، مستقیم یعنی بیست درجه متمایل به راست. خب او که دیگه کامل عرفا به خود کعبه می‌‌خورد. اصلا ما هر کاری بکنیم این مقدار انحراف مانع از صدق استقبال کعبه نیست. اگر مانع باشد با این تیاسر مشکل حل نمی‌شود. خدا رحمت کند محقق طوسی، خواجه نصیر الدین طوسی را، این مرد بزرگ، چه حقی بر شیعه دارد بماند، ‌اعتراض کرد به محقق حلی، در درس که اعتراض کرد هیچ، ادامه هم داد. یک رساله‌ای هم نقل شده که نوشت و محقق حلی هم احترامش می‌‌کند، سعی کرد جواب بدهد اما ظاهرا قانع‌کننده نبود.

از این بگذریم.

[سؤال: ... جواب:] اولی که در کافی هست یقینا.

همه این‌ها امارات ظنیه است. فقط استدبار جدی را ما تعبدا قبول کردیم. اما بقیه آنچه که گفته شد امارات ظنیه است؛ معتبر نیست مگر در فرض عدم تیسر تحصیل علم. تحصیل علم میسور نبود نوبت به این امارات ظنیه می‌‌رسد. ... تشخیص قبله کی اصالة الصحة جاری کنیم؟ ... ما همچون اصالة الصحة‌ای نداریم که مثلا تشخیص دادند قبله این طرف است، ‌حمل بر صحت بکنیم، خودمان هم غیر از این‌که بگوییم نمازشان صحیح است، بگوییم قبله هم همین‌طور است، لوازم اصالة الصحة را بار کردن این نه، ‌همچون چیزی ما نداریم.

مسأله 2: عند عدم امکان تحصیل العلم بالقبلة یجب الاجتهاد فی تحصیل الظن و لایجوز الاکتفاء بالظن الضعیف مع امکان القوی کما لایجوز الاکتفاء بالظن القوی مع امکان الاقوی.

وجهش روشن است دیگه. یجزی التحری ابدا اذا لم یعلم این وجه القبلة، تحری یعنی همین. تحری یعنی تحصیل احری، یعنی ظن بهتر تحصیل کردن.

و لافرق بین اسباب حصول الظن فالمدار علی الاقوی فالاقوی.

به نظر ما باید ظن عقلائی باشد. ظن ناشی از مناشی غیر عقلائیه با امکان تحصیل ظن ناشی از مناشی عقلائیه دلیلی بر اعتبارش نیست. آقا به جای این‌که برود از مناشی عقلائیه تحصیل ظن بکند، می‌‌رود دنبال رمال‌ها، دنبال آن‌هایی که خواب‌نما می‌‌شوند، می‌‌گوید در خواب دیدم که یک آقایی خدمت امام زمان رسید امام زمان این جوری فرمود نماز بخوانید، این‌ها اعتبار ندارد. باید ظن ناشی از مناشی عقلائیه باشد.

بعد می‌‌گوید و لو من قول فاسق بل و لو کافر. حالا اینی که این ابزار جدید را ایجاد کرد اگر علم‌‌آور نباشد ظن‌‌آور باشد کافر هم باشد بالاخره مهم نیست.

[سؤال: ... جواب:] تحری ظاهرش این است، ‌تحصیل ظن احری.

فلو اخبر عدل و لم یحصل الظن بقوله و اخبر کافر او فاسق بخلافه و حصل منه الظن من جهة کونه من اهل الخبرة یعمل به.

خب جناب صاحب عروه! این فرمایش شما مبتنی بر نظر خودتان است که ما هم قبول داریم که خبر ثقه در موضوعات حجت نیست اما اگر کسی گفت خبر ثقه در موضوعات حجت است مثل آقای خوئی، ثقه اگر اخبارش ناشی از حس باشد یا مقدمات حسیه باشد، علمی است؛ او مقدم بر تحصیل ظن است و لو ظن اقوی. چون ظن خاص است، ظن معتبر است، او مقدم است.

ولی ما احتیاط می‌‌کنیم. خود صاحب عروه هم در عدم حجیت خبر عدل احتیاط می‌‌کند حالا چرا اینجا احتیاط نکرده‌ [معلوم نیست]. خب مقتضای احتیاط این است که جمع کند آدم بین نماز به سمت آنی که ثقه می‌‌گوید و نماز به آن سمتی که ظن اقوی پیدا کرده آدم، دو تا نماز بخواند.

[سؤال: ... جواب:] چرا متحیر؟ ... نه، ‌شبهه حکمیه است. ما روشن نیست برای‌مان خبر ثقه در موضوعات حجت است یا نه. ... کی می‌‌گوید متحریم؟ شبهه حکمیه است. ما برای‌مان روشن نیست، داریم احتیاط می‌‌کنیم. مثل امام، صاحب عروه، ‌آقای سیستانی در حجیت خبر ثقه در موضوعات احتیاط می‌‌کنیم. احتیاط یعنی تا آخر احتیاط برویم دیگه نه این‌که حسن استفاده کنیم بگوییم حالا شدیم متحیر، خب کی می‌‌گوید شدیم متحیر، شاید خبر ثقه در موضوعات حجت باشد. ... حجیت خبر ثقه در این مورد، ‌این شبهه حکمیه است دیگه، ‌باید احتیاط کنیم.

مسأله 3: لافرق فی وجوب الاجتهاد بین الاعمی و البصیر غایة الامر ان اجتهاد الاعمی هو الرجوع الی الغیر فی بیان الامارات او فی تعیین القبلة.

آدم اعمی استدبار جدی بخواهد بکند باید از دیگران کمک بگیرد ولی گاهی هم چرا، ‌بعضی نابیناها خیلی زیرک هستند، می‌آیند مسجد، ‌دست می‌‌کشند به محراب مسجد، قشنگ تشخیص می‌‌دهد محراب چه سمت است می‌آیستد نماز می‌‌خواهد از هیچکس هم کمک نمی‌گیرد، مهم نیست، ‌تحصیل ظن کرده، ‌تحصیل تحری کرده. اگر امکان تحصیل علم نباشد تحری شامل اعمی هم می‌‌شود چون ادله‌اش اطلاق دارد. این‌که بعضی‌ها نقل شده که گفتند نه، تحری از اعمی ساقط است، ‌اعمی بیچاره باید به چهار سمت نماز بخواند دیگران بروند تحری کنند. این درست نیست. چه فرق می‌‌کند؟‌ یجزی التحری شامل اعمی هم می‌‌شود.

[سؤال: ... جواب:] تحری او این است که نوعا از افراد بینا سؤال می‌‌کند و گاهی هم عرض کردم خودش می‌‌رود‌، عذر می‌‌خواهم، دستشویی، آنجا بالاخره می‌‌فهمد که به چه سمت بنشیند، ‌از همانجا هم می‌آید قبله را هم پیدا می‌‌کند، او دیگه چشم که نمی‌خواهد.

مسأله 4: لایعتبر اخبار صاحب المنزل اذا لم یفد الظن.

آقا! قول صاحب منزل در تشخیص قبله حجت نیست. امکان تحصیل علم داری؟ برو تحصیل علم بکن، نداری؟ تحصیل ظن اقوی بکن. بله، قول صاحب منزل هم چه بسا در تحصیل ظن اقوی تاثیر دارد اما بگویی صاحب خانه می‌‌گوید، ‌خب بگوید. ما خیلی جاها رفتیم پیگیری که کردیم دیدیم قبله‌شان اشتباه است در بیرون قم.

[سؤال: ... جواب:] یعنی سیره این است که هر چی صاحب خانه می‌‌گوید، ‌حالا صاحب خانه یک لقمه نان می‌‌دهد ما می‌‌خورد، دیگه دین‌مان را هم به او بفروشیم؟ ... قول ذو الید دو مبنا در آن هست. یک مبنا این است که آنی که سیره عملیه بوده در زمان ائمه، فقط او حجت است؛ اخبار از طهارت و نجاست. این یک قول. قول امام، آقای خوئی، مرحوم استاد. قول دوم این است که اخبار ذوالید در اموری که در ید اوست، ‌مثل این‌که خبر می‌‌دهد آب حوض کر است، آب تانکر کر است، مخصوصا آب تانکر که آدم نمی‌بیند، می‌‌گوییم آقا!‌ این آب تانکر کر است؟ ما می‌‌خواهیم لباس متنجس به بول بشوریم، یا یک چیزهایی که فرق است بین کر و قلیل، ‌ترشح ممکن است بکند. می‌‌گوید خیالت راحت حاج آقا، ‌کر است. ما وثوق نداریم، ‌ثقه هم نیست. مرحوم آقای صدر می‌‌گفت ارتکاز عقلاء بر این بوده که قول ذو الید در اموری که در یدش است حجت است. بله، ارتکاز هست [اما] ‌سیره عملیه در زمان ائمه معلوم نیست، ‌سیره خارجیه معلوم نیست چون محل ابتلاء نوع مردم نبود، آب کر در خانه‌ها نداشتند که ولی ارتکاز فرق نمی‌گذاشت. اما چه قول اول که قول مضیق است، ‌فقط می‌‌گوید در خصوص سیره عملیه در باب طهارت و نجاست قول ذی الید حجت است و یا قول موسع که قول آقای صدر است، می‌‌گوید ارتکاز در اموری که در یدش هست و لو کریت آب در منزل، حجت است، ‌اما مسلم راجع به تشخیص قبله اصلا قبله در ید این صاحب البیت نیست. قبله این سمت است یا آن سمت، مگه در ید این صاحب البیت است؟ و لذا اعتباری به قول صاحب منزل نیست.

مسأله 5: اذا کان اجتهاده مخالفا لقبلة بلد المسلمین فی محاریبهم و مذابحهم و قبورهم فالاحوط تکرار الصلاة.

صاحب عروه فرموده گاهی انسان اجتهادش به یک سمتی می‌‌رود در تشخیص قبله ولی قبله بلد المسلمین فرق می‌‌کند، احوط تکرار نماز به این دو سمت است. مگه بدانیم این‌ها اشتباه کردند.

خب انصافا این فرمایش درست نیست. برای این‌که قبله بلد مسلمین چه اعتبار شرعی دارد؟ از باب تحصیل ظن است. آن هم در خصوص محراب و الا در مورد مذبح که اهل سنت ذبح به سمت قبله را لازم نمی‌دانند. بله، ‌مذابح شیعه، اماره ظنیه است که به چه سمت باشد. یا راجع به قبور، همه مسلمین قائل نیستند که باید قبر میت به همان نحوی که هست، به سمت مکه باشد، همه که قائل نیستند. بله، در بلادی که قائلند، ‌اماره ظنیه است، اماره شرعیه نیست، اماره ظنیه است. ما باید او را هم در نظر بگیریم در تحری، ‌او را ضمیمه کنیم به قبله‌نما گذاشتن خودمان، به جهت‌یابی قبله توسط خودمان، ‌ببینیم ظن اقوی ما به کدام سمت می‌‌رود. احوط تکرار صلات است یعنی چی؟ چون همه‌اش از باب تحری است، ‌خب ظن اقوی به هر سمت پیدا شد به همان سمت نماز می‌‌خوانیم دیگه.

[سؤال: ... جواب:] بحث اول نماز خوان نیست، ‌بحث این است که از اول دچار این اضطراب شده، ‌اضطراب ندارد که.

این هم راجع به این مسأله که خلاصه عرض ما این است که تکرار نیاز نیست چون این‌ها امارات شرعیه نیست که. شبهه قابل توجهی ندارد که بگوییم شرعا این‌ها امضاء شده، مثل خبر ثقه در موضوعات که نیست، ‌از باب تحری است، ‌خب هر چه ظن اقوی افاده کرد ما سراغ او می‌‌رویم.

این هم راجع به مسأله 5، ‌ان‌شاءالله مسأله 6 را فردا عرض می‌‌کنیم.